نقل‌قول خبر

سید احمد محیط طباطبایی
رئیس دفتر کمیته ملی موزه‌های ایران
سازمان میراث‌فرهنگی زمانی به شکل پژوهشگاه و بخشی از وزارت علوم بود و یک سازمان علمی و تخصصی شمرده می‌شد. امروز نیز بخش پژوهشگاه میراث‌فرهنگی باید دارای فضای آموزشی باشد. اما متأسفانه هیچ‌گاه این امر در حوزه پژوهشگاهی میراث‌فرهنگی شکل نگرفت.

کورش روستایی
رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی
برخی باستان‌شناس‌ها در ارائه گزارش پژوهش‌های میدانی که گاه تا ۲ دهه طول کشیده است تعلل کرده‌اند. واقعیت این است که در سال‌های گذشته دستگاه باستان‌شناسی کنترلی بر برنامه‌های میدانی باستان‌شناسی نداشته، چون متر و معیاری برای انجام برنامه‌های میدانی وجود نداشته است.

سعید بهادری
رئیس اداره میراث فرهنگی تنکابن
گردشگری کشاورزی بازدید از یک مزرعه یا فعالیت‌های کشاورزی برای لذت بردن، آموزش و تجربه عملی فعالیت‌های مربوط به کشاورزی است. سبک زندگی روستایی در شمال ایران با مناطق مرکزی و جنوبی کشور متفاوت است و این مسئله می‌تواند باعث رونق گردشگری کشاورزی در غرب مازندران شود.

خبر

با بودجه دولتی نمی‌توان جنگل‌ها را حفاظت کرد

معاون توسعه و مدیریت وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی اعلام کرد: با بودجه دولتی نمی‌توان جنگل‌ها را حفاظت کرد. به‌گزارش وزارت میراث فرهنگی، سعید اوحدی در بازدید از جنگل تیلاکنار سلمانشهر تنکابن با بیان اینکه جنگل‌ها یکی از مسیرهای توسعه کشور گردشگری است گفت: یکی از زمینه‌های امن برای توسعه پایدار گردشگری جنگل‌هاست.
معاون توسعه و مدیریت وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی کشور با تأکید بر این نکته که وجود تاسیسات و امکانات زمینه حفاظت را فراهم می‌کند، گفت: در میراث‌فرهنگی هم همین اشتباه را داریم؛ از نزدیک شدن به تخت‌جمشید ممانعت می‌کنیم، درصورتی که اگر امکانات گردشگری در کنارش تعبیه شود، زمینه نگهداری از این آثار تاریخی بیشتر فراهم می‌شود.
او افزود: در بحث آزادسازی سواحل که با نگاه مثبت رئیس‌جمهوری همراه است، وارد شدیم. اما تنها راه استفاده و مدیریت سواحل داشتن طرح و برنامه گردشگری است. اوحدی تصریح کرد: همه جای دنیا از جنگل‌ها به خوبی حفاظت کرده و امکانات خوبی را مردم فراهم می‌کنند. او افزود: به جای جلوگیری از ورود مردم باید تاسیسات و امکانات گردشگری را فراهم کرد و با ایجاد سرمایه‌گذاری در این مناطق و اشتغال‌زایی فرهنگ نگهداری از آن را ایجاد کرد.

عدد خبر

۱۰۰۰۰ میلیارد

امسال از تسهیلات تبصره ۱۸ به وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی اختصاص یافت که تاکنون بی‌سابقه بوده است. تسهیلات تبصره ۱۸ ازجمله مهم‌ترین ابزار ایجاد و حفظ اشتغال در استان‌هاست و نرخ سود این تسهیلات در مناطق برخوردار ۱۴ درصد و در مناطق کمتر توسعه یافته ۱۲ درصد است.

۲ برابر

قیمت مواداولیه تولید «گیوه» در ایران افزایش یافته و مادح مکی هنرمند گیوه‌باف ساکن جوانرود با اعلام این خبر به ایسنا گفته است: افزایش قیمت مواداولیه تولید گیوه سبب گرانی این محصول دستباف شده و میزان فروش آن هم کاهش یافته است. به‌گفته او، قیمت هر جفت گیوه که ۳۰۰هزار تومان بود، ۶۰۰هزار تومان شده است.

۴۷ درصد

جمعیت استان گلستان در روستاها سکونت دارند و به‌گفته محمد جواد ساروی، مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی این استان، باید برای توسعه زیرساخت‌ها اولویت را در مناطق روستایی قرار داد تا با بهره‌مندی از مزیت گردشگری روستایی از روستاها محرومیت‌زدایی شود.

عکس‌ها: همشهری/ حامد عسگرپور

سناریوی احیای دریاچه

تصاویر هوایی از وضعیت دریاچه ارومیه نشان می‌دهد که احتمال خشکیدگی این دریاچه در سال آینده جدی است

گزارش
زهرا رفیعی
روزنامه‌نگار

تصاویر جدیدی که عکاس روزنامه همشهری در روزهای اخیر ثبت کرده، نشان می‌دهد دریاچه ارومیه با روزهای باشکوهی که بیش از ۳۰میلیارد مترمکعب آب داشت فاصله زیادی دارد. این فاصله را پهنه‌های وسیع از نمک پر کرده است. دیگر حتی از آن بستر لجن‌گرفته ساحل دریاچه هم خبری نیست و تا چشم کار می‌کند نمک است. عکس‌های هوایی عکاس همشهری از دریاچه ارومیه که ۲ روز قبل گرفته شده است نشان می‌دهد این دریاچه دیگر عمق چندانی ندارد؛ کف بستر دریاچه که در ۵۰سال اخیر شاهد عمق ۷.۸متری نیز بود، حالا به راحتی دیده می‌شود.

سناریوهای احیا

چند سال است که دریاچه ارومیه در انتهای سال آبی وضعیت مناسبی ندارد. ساحل تانیمه‌های پل میان‌گذر خالی از آب می‌شود و مردم و مسئولان منتظر می‌مانند که سهم دریاچه را باران پاییزی و برف زمستانه با خود بیاورد، آنچنان که در سال‌های ۹۷ و ۹۸ بارید. تغییر اقلیم، بروز پدیده‌های جوی برف و باران را به بارش‌های کم و پراکنده تبدیل کرده است.
چشم‌انداز آخر را همان اول، مرحوم پروفسور کردوانی پیش چشم گذاشت که گفت: «با آن همه چاه و سدی که در اطراف دریاچه زده شده، دیگر این بیمار، احیا نمی‌شود». حدود ۹سال از این صحبت‌های دکتر کردوانی می‌گذرد و هزاران میلیارد تومان صرف احیای دریاچه شده و هنوز هیچ‌کدام از برنامه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری به‌طور کامل به بهره‌برداری نرسیده است. بیش از ۹۰هزار چاه غیرمجاز در حوضه آبریز دریاچه ارومیه قرار دارد و آنچنان که شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان‌غربی اعلام کرده فقط از سال ۹۴ تاکنون حدود ۵هزار حلقه چاه مسدود شده است. میزان برداشت بیشتر از توان اکولوژیک این تالاب ۱۳هزارساله است. توسعه کشاورزی حتی در زمین‌های شیب‌دار و تبدیل زمین‌های دیم به آبی این فرایند را تسریع کرده است. پروفسور کردوانی، کویرشناس اساسا معتقد بود که دریاچه را مرده فرض کنیم و برویم سراغ برنامه‌هایی به‌منظور بهره‌برداری اقتصادی از آن. اما هنوز عده‌ای معتقدند که اگرچه شاید نتوان همه این پهنه آبی ۵هزار و ۵۰۰متری را احیا کرد اما شاید بتوان بخش‌هایی از آن را محصور و آبدار نگه داشت.
علی ارواحی، متخصص اکوسیستم‌های تالابی از جمله خوش‌بین‌هاست. او در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: «امکان خروج دریاچه ارومیه از وضعیت بحرانی وجود دارد. فقط کافی است روند مدیریت منابع آبی در این حوضه تغییر کند.»
به‌گفته علی ارواحی در ۳-۲ سال اخیر حقابه دریاچه کامل پرداخت نشده است. او می‌گوید: «اگر حقابه از محل وعده‌هایی که در این سال‌ها داده شده، مثل تصفیه‌خانه‌های شهرهای تبریز، ارومیه و تونل زاب عملی شود و این منابع دائمی و فقط برای دریاچه باشد، می‌توان امید داشت که دریاچه جانی دوباره بگیرد.»
در ۲ مطالعه مختلف ۲رقم ۳،۱ و ۳،۴میلیارد مترمکعب به‌عنوان نیاز آبی دریاچه اعلام شده است. اما حقابه‌ای که تاکنون به دریاچه داده شده، سال‌هاست که به یک میلیارد مترمکعب هم نرسیده است. در ابتدای شروع به‌کار ستاد احیای دریاچه ارومیه، بدهی انباشته به دریاچه ۱۲میلیارد مترمکعب بود و حالا این رقم به بالاترین حد خود رسیده است. بنا به اعلام ستاد احیای دریاچه ارومیه، دریاچه برای رسیدن به تراز اکولوژیک ۱۴،۱میلیارد مترمکعب، امروز به بیش از ۱۳میلیارد مترمکعب آب نیاز دارد. این را بگذارید در کنار آورد سالانه این حوضه آبریز که از حدود ۸میلیارد مترمکعب به‌دلیل شرایط اقلیمی به حدود ۵میلیارد مترمکعب کاهش یافته است.
ناصر آق، عضو هیأت علمی دانشگاه ارومیه از سال ۸۵ بر سر این اعتقاد خود مانده است که «تنها راه احیای دریاچه ارومیه کوچک کردن آن و کاهش میزان تبخیر آب است.» او به همشهری آنلاین می‌گوید: از نظر وسعت، حدود ۱۰درصد از دریاچه باقی مانده و از نظر حجم آب قطعا کمتر از ۵درصد نسبت به سال ۷۵ که سال پرآبی بود، باقی مانده است. دریاچه ارومیه رو به خشک شدن است و اگر سال آبی آینده هم مثل سال آبی گذشته باشد، به‌احتمال بسیار زیاد باقیمانده آب هم تبخیر می‌شود و دریاچه ارومیه کاملا خشک می‌شود.
براساس پیشنهاد او «باید دریاچه را نصف دریاچه سابق کرده و آن را در ۲فاز احیا کنیم. یعنی یک چهارم را در یک سال و ۲ تا ۳سال بعد هم یک‌چهارم دیگر را احیا کنیم بدین‌ترتیب می‌توان نصف دریاچه را نجات داد.

چه کسی کمک خواهد کرد؟

اصلی‌ترین مصرف‌کنندگان آب در این حوضه آبریز بخش کشاورزی است. اگرچه قوانین به صراحت حقابه محیط‌زیست را ارجح‌تر از بخش کشاورزی دانسته با این‌حال مدیریت منابع آبی حوضه دریاچه ارومیه در سال‌های اخیر به گونه‌ای بوده که این تصمیم قانونی اجرا نشده است. در عوض در ۲۵سال گذشته زمین‌های کشاورزی ۲برابر شد. بسیاری از زمین‌هایی که دیم بودند به زمین‌های آبی با روش آبیاری غرقابی تبدیل شده‌اند که بهره‌وری بسیار پایینی دارند.
مصاحبه میدانی خبرنگار همشهری با کشاورزان منطقه نشان می‌دهد که آنها بدون حمایت دولتی برای تغییر الگوی کشت، اصلاح فرایندهای آبیاری و یا تغییر الگوی معیشت حاضر به صرف‌نظر کردن حقابه مکتسبه‌شان نیستند. در ۷سالی که ستاد احیای دریاچه ارومیه شروع به‌کار کرده بیشترین انرژی و منابع مالی صرف پروژه‌های سخت‌افزاری شده که همه آنها هنوز به بهره‌برداری نرسیده است. بخش نرم‌افزاری برنامه ستاد هنوز به‌صورت فراگیر به بهره‌برداری نرسیده است.
آنچنان که سال گذشته، مسعود تجریشی، مدیر پیشین برنامه‌ریزی ستاد احیای دریاچه ارومیه به همشهری اعلام کرد؛ «برنامه ۵ ساله اصلاح الگوی آبیاری و کشت در ۴۰منطقه در مساحتی کمتر از ۳۰۰هزار هکتار قرار است اجرایی شود. در بخش‌های غیرسازه‌ای در سال ۹۴ تا ۹۶ وزارت جهاد‌کشاورزی می‌گفت که فقط با لوله‌گذاری و کانال‌کشی می‌تواند مصرف آب را کم کند. هر چقدر که می‌گفتیم روی مسائل ترویجی کار بکنند، جلو نمی‌آمدند. تغییر نگاه یک‌شبه اتفاق نمی‌افتد. ۳۰۰هزار هکتار مذکور مربوط به بخش زراعت است و ما امیدواریم بتوانیم در این بخش آب بیشتری صرفه‌جویی کنیم. سال ۹۸ سراغ بخش باغبانی رفتیم. در بخش زراعت ۷۵هزار هکتار و در بخش باغبانی ۸هزار هکتار را تحت پوشش قرار دادیم. این درحالی است که معمولا عملکرد سالانه ۵۱۰هزار هکتار است.

بیابان در آغوش دریا

تراز آب دریای خزر به پایین‌ترین میزان در ۳۰ سال اخیر رسیده است

گزارش
سمانه نگاه - نیما فریدمجتهدی
دکتری هواشناسی-دکتری آب وهواشناسی

این روزها شاهد هشدارهای گاه‌وبیگاه در زمینه کاهش تراز آب دریای کاسپین هستیم. این عبارت، سخن روز محافل علمی، اجرایی و حتی جوامع محلی سواحل جنوبی این دریاست. کاهش یک‌ونیم متری تراز آب دریای کاسپین یعنی کمترین تراز در ۳۰سال اخیر. هرچند این عدد هنوز به کمترین میزان تراز ۵۰سال اخیر در سال ۱۳۵۶ که برابر با ۲۸/۲۶- متر بود، نرسیده است. گاهی نیز اشاراتی به نقش و تأثیر این عقب‌نشینی بر اکوسیستم ساحلی و حتی تالاب‌هایی مانند انزلی و مردمان حاشیه آن می‌شود. با وجود ارگان‌های متولی بسیاری که وظیفه شناخت و پایش دریای کاسپین را به‌عهده دارند هنوز شناخت از دریای کاسپین، حداقل درمنابع و مستندات مرتبط با بخش ایرانی آن، بسیار محدود بوده و سندی فراگیر در مورد آن ارائه نشده است.
از سوی دیگر، عدم‌تعامل کافی کشورهای همجوار ایران، به دلایل زیادی از جمله محافظه‌کاری بازمانده از زمان شوروی سابق، رسیدن به دیدگاه مشترک در این زمینه را با مشکل بیشتری مواجه کرده است. نگاهی به اظهارنظرهای متخصصان و کارشناسان ارگان‌ها و مراکز علمی مرتبط با دریای کاسپین، این عدم‌هماهنگی را که بخش مهمی از آن به‌دلیل عدم‌اشتراک‌گذاری داده‌های طرف‌های مقابل است، بیشتر عیان می‌کند. درحالی که برخی هرگونه دست‌اندازی انسانی و کاهش آب رودخانه ولگا را به کلی انکار می‌کنند، برخی مستندات علمی و مشاهداتی، عامل اصلی این کاهش تراز را سوءمصرف و دخل و تصرف کشور روسیه روی این رودخانه نشان می‌دهند.
به هرروی آنچه این روزها نسبت به آن تردید کمتری وجود دارد کاهش ورودی رودخانه ولگا به‌عنوان بزرگ‌ترین تامین‌کننده آب این پهنه آبی است. آنچه مسلم است، فارغ از هرگونه دست‌اندازی‌های انسانی بر رودخانه ولگا، مسئله تغییر آب‌وهوا در حوزه دریای کاسپین به شدیدترین وجه ممکن در حال مشاهده است. نگاهی به نقشه‌های ناهنجاری دمایی در منطقه خوارزم و شمال دریای کاسپین نشان از ناهنجاری افزایشی میانگین دمای هوا به میزان ۲درجه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ است. اگر بخواهیم دیدگاهی مناسب‌تر در این زمینه داشته باشیم باتوجه به ذات بیابانی بیشتر مناطق حوزه جغرافیایی دریای کاسپین، طبیعتا آن چیزی که موجب تعادل اکولوژیک مناطق بیابانی می‌شود، اندک بارشی است که در فصل سرد یا مرطوب سال به این مناطق نزول می‌کند. بنابراین تحلیل شرایط دمایی زمستان یا فصول سرد دیدگاه بهتری به مخاطب ارائه می‌کند.
بررسی شرایط دما در فصل زمستان (دسامبر، ژانویه و فوریه) نشان از ناهنجاری مثبت دمایی به میزان ۴درجه سلسیوس برای میانگین دمای هوا به‌ویژه برای مناطق شمال و شمال‌غربی دریای کاسپین (منطبق بر حوضه آبریز ولگا به‌عنوان تامین‌کننده ورودی دریا) دارد.
این مسئله را می‌توان در شرایط دمایی فصل سرد سال که بازه بلندتری (نوامبر تا آوریل) را دربرمی‌گیرد نیز مشاهده کرد. فارغ از دلایل انسانی یا طبیعی کاهش تراز آب این دریا و نوسان‌های طبیعی دریای کاسپین، درنظر نگرفتن شرایط دگرگون‌شده آب‌وهوایی در حوضه آبریز آن، ساده‌اندیشی است و منجر به حذف مولفه بسیار مهمی در تشدید اثرهای این مولفه‌ها می‌شود. گرمایش شدید، به همراه خشکسالی‌های مستمر به‌ویژه در مناطق شرقی و شمال دریای کاسپین منجر به از بین رفتن تعادل اکولوژیک در بیابان‌های وسیع منطقه شده است.
همین مسئله سبب شده بیابان‌های منطقه و یا به بیان بهتر کانون‌های گسیل گردوخاک منطقه از میانه دهه ۱۳۹۰ شمسی رفتاری متفاوت را به نمایش بگذارند. رفتاری که حداقل از دیدگاه هواشناسی در تاریخ ثبت ۷۰ساله داده‌های آن و هم تجربه صدساله مردم محلی غیرمعمول و شاخص بوده است. بنابراین رفتارهای محیطی نیز نشان از تغییرات عمیق محیطی در این حوزه دارد. هدف این یادداشت نیز بررسی ابعاد و تأثیر افت تراز دریا و عقب‌نشینی آن بر ایجاد مخاطره‌ای جدید برای ساکنان مناطق ساحلی و پس‌کرانه‌های این دریاست. یکی از مسائلی که در بحث‌های پیرامون تبعات تغییر آب‌وهوا در مناطق ساحلی مطرح می‌شود، افزایش تراز آب دریاهای آزاد است. این مسئله باتوجه به آب شدن یخ‌های قطبی، در حال وقوع است و اتفاق خواهد داد و نشانه‌هایی از این اتفاق در مناطق مختلف جهان قابل ردیابی است. نکته اساسی در زمینه تغییر تراز آب اینکه افزایش آن مربوط به دریاهای آزاد است. در مورد حوضه‌های بسته مانند دریاچه‌ها، در اینجا کاسپین، رفتار پهنه‌های آبی باتوجه به منبع تغذیه و همچنین خروجی می‌تواند معکوس باشد.
این مسئله عمدتا به‌دلیل ۲ عامل اثر خود را بر پهنه‌های آبی بسته می‌گذارد؛ کاهش بارش به‌عنوان مولفه مثبت بیلان آبی و افزایش تبخیر به‌عنوان مولفه منفی آن. باتوجه به کاهش بارش در حوضه‌های مختلف آبریز دریای کاسپین، افزایش تبخیر در اثر افزایش دما و همچنین عدم‌ارتباط مستقیم حوضه اورال به یخ‌های قطب شمال، تأثیر احتمالی تغییر آب‌وهوا بر تراز آب این دریا، طبیعتا کاهشی است. اما داستان نوسان‌های تراز دریای کاسپین سابقه دیرینه دارد. از شواهد مختلفی که در کرانه‌های جنوبی این دریا به‌عنوان مواریث ژئومورفولوژیکی و زمین‌شناسی باقی مانده مانند سواحل فسیل در پای رشته‌کوه‌های البرز و وجود دریابارها نشان از تاریخی بودن این نوسان‌ها دارد. در هر صورت از زمانی که پایش تراز این دریا رویه‌ای مستند گرفت (اطلاعات آن موجود است) دریای کاسپین دارای رفتاری نوسانی بوده است. هرچند برآوردها و مطالعات در زمینه علل اصلی این نوسان همیشه با چالش عدم‌قطعیت و عدم‌توافق همگانی همراه بوده‌است.
نوسان‌های تراز دریا، گاهی منجر به کاهش تراز‌های مشخص مانند آنچه در سال ۱۳۵۶ و همچنین افزایش تراز و پیشروی مانند آنچه در دهه ۷۰ و به‌ویژه سال ۷۴ رخ داد، شده است. در ۲۶سال اخیر، دریای کاسپین شاهد افت ۱،۵متری تراز آب بوده است. اگرچه دریای کاسپین در تاریخ خود کاهش‌ها و افزایش‌های متعددی را به‌خود دیده و این تغییر اخیر نیز بنا به‌نظر بسیاری از محققان به‌صورت یک تغییر عادی درنظر گرفته شده است، ولی برداشت آب از رودخانه‌های منتهی به این دریا هیچ‌گاه به این میزان نبوده است. بنابراین کاهش فعلی تراز آب با توجه به تغییرات آب‌وهوایی می‌تواند به‌عنوان یک کاهش بی‌بازگشت تلقی شود که بزرگ‌ترین دریای آب شیرین دنیا را تهدید می‌کند.

@ متن کامل را در همشهری آنلاین بخوانید

میز خبر

گردشگری ایران از سوئیس سبقت گرفت

شورای جهانی سفر و گردشگری ارزش صنعت گردشگری ایران در سال گذشته میلادی را ۴۸.۱میلیارد دلار برآورد کرد و ایران را در رتبه ۱۹ جهان از این نظر قرار داد. به گزارش ایرنا، شورای جهانی سفر و گردشگری، ۲۰کشور نخست دنیا را از نظر بزرگی صنعت گردشگری خود در سال ۲۰۲۱ معرفی کرده است. این شورا میزان کمک صنعت گردشگری کشورهای دنیا به تولید ناخالص داخلی آنها طی سال ۲۰۲۱ را بررسی کرده و ایران را بالاتر از سوئیس در رتبه نوزدهم قرار داده است. این گزارش میزان کمک صنعت گردشگری ایران به تولید ناخالص داخلی طی سال ۲۰۲۱ را ۴۸.۱میلیارد دلار برآورد کرده است که بیشتر از همه کشورهای دنیا منهای ۱۸کشور بوده است. آمریکا با صنعت گردشگری ۱۲۷۱میلیارد دلاری در رتبه نخست این فهرست، چین با ۸۱۴میلیارد دلار و آلمان با ۲۵۱میلیارد دلار به‌ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم از این نظر قرار گرفته‌اند. کشورهای ژاپن، ایتالیا، هند، فرانسه، مکزیک، انگلیس، اسپانیا، برزیل، کانادا، استرالیا، هلند، روسیه، ترکیه، عربستان و کره‌جنوبی نیز رتبه‌های چهارم تا هجدهم را به‌خود اختصاص داده‌اند. ارزش صنعت گردشگری کره‌جنوبی که یک پله بالاتر از ایران قرار گرفته است ۴۸.۸میلیارد دلار برآورد شده است. سوئیس با صنعت گردشگری ۴۴.۵میلیارد دلاری یک پله پایین‌تر از ایران و در رتبه ۲۰ جهان قرار گرفته است. ایران براساس آمار سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ جزو فهرست ۲۰کشور نخست دنیا از نظر صنعت گردشگری قرار نگرفته بود. بدین‌ترتیب در سال ۲۰۲۱ با تغییر دولت در ایران و روی کار آمدن دولت رئیسی، ایران جزو ۲۰کشور برتر جهان از لحاظ بزرگی صنعت گردشگری قرار گرفت. شورای جهانی سفر و گردشگری در بخش دیگری از گزارش خود میزان هزینه‌کرد گردشگران داخلی در هر کشور را بررسی کرده و ایران را از این نظر در رتبه ۱۶ جهان قرار داده است. براساس برآورد این نهاد بین‌المللی، گردشگران ایرانی در سال ۲۰۲۱ بالغ بر ۳۳.۳میلیارد دلار در کشور خود هزینه کرده‌اند که این رقم بیشتر از همه کشورهای دنیا به‌جز ۱۵کشور آمریکا، چین، آلمان، هند، ژاپن، مکزیک، انگلیس، ایتالیا، فرانسه، برزیل، کانادا، هلند، اسپانیا، استرالیا و روسیه بوده است. میزان هزینه‌کرد گردشگران آمریکایی در کشورشان در سال ۲۰۲۱ بالغ بر ۷۳۱میلیارد دلار بوده است. هزینه‌کرد گردشگران چینی در کشورشان طی این سال نیز ۴۵۸میلیارد دلار و این رقم برای آلمانی‌ها ۲۱۲میلیارد دلار بوده است. ایران در سال ۲۰۱۹ در رتبه ۱۷ جهان از نظر هزینه‌کرد گردشگران داخلی قرار گرفته بود که بدین‌ترتیب در سال ۲۰۲۱ یک پله در رده‌بندی جهانی صعود داشته است.

کشف ۲ جسد مومیایی در معدن روی اصفهان

معدن و غارهای طبیعی محل کشف اجساد مومیایی شده «لاپلنگ» در استان اصفهان تحت انفجارهای پی‌درپی قرار دارد هرچند اجساد به موزه منتقل شده ولی هنوز بررسی‌های دقیقی درباره این محل انجام نگرفته است. به گزارش مهر، آبان‌ماه سال گذشته بود که خبر رسید در روستای چاهریسه و معدن لاپلنگ اردستان استان اصفهان ۲ جسد در عمق حدودا ۳۵متری کوه در اثر برداشت مواد معدنی پیدا شدند.
با هماهنگی‌های انجام شده این اجساد به شهر زواره فرستاده شدند و مشخص شد که این اجساد اهمیت زیادی دارند. چون این اجساد در یک معدن قدیمی پیدا شده بودند که از سال‌ها پیش، روی و سرب از آن معدن استخراج می‌شده است.
مهدی مشهدی، رئیس اداره میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی شهرستان اردستان در روایتی که آن را در سایت وزارت میراث فرهنگی نیز انتشار داد نوشته است: پس از تحویل اجساد به عوامل نیروی انتظامی این اجساد با احتیاط کامل توسط کارشناسان اداره میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی شهرستان اردستان به موزه شهر زواره به‌منظور بررسی و نظرات کارشناسی منتقل شد. حالا بعد از اینکه برای خیلی‌ها مشخص شده این محدوده نیاز به کاوش و بررسی‌های علمی‌تر زیادی دارد اما همچنان معدن به کار خودش ادامه می‌دهد و حتی در چند روز اخیر انفجار گسترده‌ای نیز در آنجا انجام شد. انفجارها در حالی رخ داده که اطلاعات پنهان زیادی در این محدوده وجود داشته است و حتی خاک آن نیز برای بسیاری از باستان‌شناسان اهمیت دارد. مومیایی‌ها نیز همچنان در موزه زواره گذاشته شده‌اند و بررسی علمی روی آنها انجام نشده است. بررسی‌های اولیه نشان داده این دو اسکلت مومیایی‌هایی هستند که به‌صورت طبیعی به‌وجود آمده‌اند چون ایرانی‌ها هیچ وقت مردگان خود را مومیایی نمی‌کردند. اما رئیس اداره میراث فرهنگی اردستان گمانه‌زنی کرده که احتمالا این اسکلت‌ها به‌صورت طبیعی مومیایی شده باشند بنابراین می‌تواند نشان از دوره جدیدی در تاریخ و تمدن چند هزارساله این منطقه باشد. این بررسی‌های اولیه مشخص کرده یکی از این افراد بالغ و دیگری فردی نابالغ و یکی از آنها زن بوده است. اما تعیین دوره زندگی این اسکلت‌ها نیاز به بررسی‌های دقیق‌تری دارد.
دوستداران میراث فرهنگی در این شهرستان می‌گویند از آنجا که قدمت محل کشف این اجساد مربوط به دوره صفویه بوده بعید نیست که این اجساد نیز دارای قدمت طولانی بوده باشند. در این‌باره ایزدی مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اصفهان گفته بود: معدن مربوط به دوره پهلوی اول بوده که از آن روی برداشت می‌کردند، اما دچار وقفه شده بود. چندسال بعد آن را واگذار کردند که هنگام کار این دو جسد بیرون آمد و به ما خبر دادند. مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اصفهان با تأکید بر اینکه در آن نقطه شواهد تاریخی نداریم، افزود: اما در پایین دست کوه یک‌سری شواهد دوره‌های مختلف میانی اسلامی و قاجار در کوره برای روی برداشت وجود دارد و حدس ما این است که این ۲ نفر بر اثر یک ریزش زیر خاک مانده‌اند. شیوه قرارگیری یکی از آنها به‌صورتی است که سنگی با لبه تیز روی سینه او فرود آمده و به همان صورت مانده چون جنس خاک فرسایش کمی ایجاد کرده است. ایزدی در ادامه درباره اینکه پژوهشگاه میراث فرهنگی شواهدی از تاریخی‌بودن یا تمدن در معدن پیدا نکرده گفت: با وجود این هر دو جسد به زواره منتقل شدند. در اینجا یک سؤال پیش می‌آید که چطور وقتی شواهدی در معدن پیدا نشده دو جسد به موزه انتقال داده شدند آیا این اتفاق همانند اتفاقی نیست که در معدن نمک چهرآباد زنجان افتاد و اجسادی که به‌صورت طبیعی مومیایی شده بودند، تاریخ منطقه را تغییر دادند؟ آیا نباید در این محل مطالعات بیشتری صورت می‌گرفت حتی اگر در بررسی‌های اولیه شواهدی پیدا نشده باشد؟ علیرضا ایزدی می‌گوید: به‌دلیل اینکه یک کیف چرمی روی دوش یکی از اجساد است نشان می‌دهد که فوت آنها با ریزش ناگهانی کوه رخ داده و قدمت آنچنانی ندارد؛ حدس ما بین ۱۰۰ تا ۲۰۰سال گذشته است.